۲



زنان اسوه

آمنه علیها السلام

مادر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله

صدیقه شاکری

بسم الله الرحمن الرحیم

زنان اسوه حضرت آمنه

نویسنده:

صدیقه شاکری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زنان اسوه حضرت آمنه

مشخصات کتاب

سرشناسه : شاکری، صدیقه، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : حضرت آمنه: مادر گرامی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله/ صدیقه شاکری.

مشخصات نشر : تهران: نشرمشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۸۴ص.؛۱۲×۲۱س‌م.

فروست : زنان اسوه؛۲.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۴۳-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : آمنه بنت وهب(س)، ۷۶ ؟ - ۴۶ قبل از هجرت.

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲ /آ۸ش۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۹۳۹۹۳

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴

ص:۵

ص:۶

ص:۷

دیباچه

سعادت واقعی انسان و پویایی جوامع بشری در گرو شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پرآشکار است که سیره اولیای الهی به‌ویژه اهـل بیتِ خانـدان وحی، متقن‌ترین آموزه‌هـای تربیتی و بنیـادی‌ترین مؤلفه فرهنگ اسـلامی است. شـناخت واقعیت‌های زنـدگی آنـان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتـار و گفتارشـان می‌توانـد زمینه‌هـای تعـالی و سـعادت واقعی انسان را فراهم سازد. ازایـن‌رو، پژوهش در آثـار اولیـای الهی بـه‌ویژه جست‌وجـو در احـوال خانـدان پـاک نبـوت به‌منظـور الگـوگیری از آنـان ضـرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود در ترویج فرهنگ اصیل اهل‌بیت علیه السلام دست به انتشار شرح حال عده‌ای از

ص:۸

مردان و زنـان انسان‌سـاز زده است که از جمله آنان شـرح حال مادر گرامی رسول خـدا (ص) ، حضـرت آمنه بنت وهب است. امید است که این نوشته مورد قبول آن بانوی بزرگوار قرار گیرد.

در پایان، مرکز تحقیقات حـج بر خود لازم می‌دانـد از تلاش پژوهشـگر محترم سـرکار خانم صدیقه شاکری و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کرده‌اند، سپاس گزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص:۹

مقدمه

اشاره

بی‌تردید آشنایی با تاریخ زندگانی انسان‌های بزرگ که سرمایهٔ ارزشمندی از تجربه و عبرت را در اختیار انسان می‌گذارند، بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. در میان این انسان‌های بزرگ افرادی نیز در عالی‌ترین مراتب پاکی قرار دارند. حضرت آمنه علیها السلام از جمله همین انسان‌هاست که نامی آشنا در میان ما مسلمان‌ها دارد.

بی‌گمان، برجسته‌ترین ارتباطی که این نام را با دل و جان ما در آمیخته، فرزند جاویدان و قدسی وی، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) است. هر چند درباره زندگانی این بانوی مهر، مآخذ و مدارک و گزارش‌های تاریخی بسیار ناچیزی وجود دارد، اما از نشانه‌های بزرگی و بزرگواری فرزندش می‌توان به شأن و عظمت والای ایشان پی برد.

پیامبر خاتم (ص) ، بزرگ‌ترین پیامبر الهی است، پس

ص:۱۰

به یقین مـادر ایشـان نیز دارای جایگـاه ویژه‌ای بوده که عصاره آن وجود مبارك، پیامبر گرامی اسـلام (ص) شـده است و این بانوی بزرگوار، صاحب آن‌چنان کمال و جمالی بوده که توانسته در وجود خود، چنین گلی که سرسبد هستی است را به دنیا آورد.

بـا وجود این، در این مورد بایـد بیشـتر و عمیق‌تر انـدیشه شود تـا معلوم گردد در شـرایط سـخت و طاقت‌فرسـای دوران جـاهلیت که همواره عظمت و کرامت زن خـدشه‌دار می‌شـد، این بانو چگونه توانسـته برگزیـدهٔ همه پیامبران را در خود پرورانده و بالنده سازد و چگونه توانسـته در آن شـرایط سخت که جامعه جاهلیت از ظلم و ستم بیداد می‌کرده آن‌چنان بر خود مسلط باشد که مسلطترین و با نفوذترین شخصـیت عـالم را برای بشـر به ارمغـان گـذارد و خود مورد تعریف و تمجیـد همگان از جمله بزرگان و فرهیختگان زمان خویش قرار گیرد.

ص:۱۱

آمنه مادر گرامی پیامبر اکرم (ص)

اشاره

حضـرت آمنه علیها السـلام، مادر گرامی پیامبر اسلام (ص) ، دختر «وَهَب بن عبد مَناف بن زُهرهٔ بن کِلاب بن مُرّهٔ بن کَعْب» از قبیله قریش و از تیره «بنی‌زهره» بود.(۱)حضرت آمنه علیها السلام از نظر نسب و شرافت، از برترین زنان قریش بود.(۲)
تاریخ تولد ایشان به طور دقیق مشـخص نیست، اما گفته‌اند که او در زمان خواستگاری‌اش از سوی عبدالله (در سال اول عام الفیل) ، ۲۴ ساله بوده است.(۳)بنابراین زمان تقریبی تولد او، باید شصت و چهار سال پیش از بعثت بوده باشد.

۱- انساب الاشراف، احمد بن عیسی بلاذری، ج۲، ص۱۹۲؛ الطبقات الکبری، محمد بن سعد، ج ۱، ص۴۹.

۲- السیرهٔ النبویه، ابن هشام، ج۱، ص۱۰.

۳- تاریخ یعقوبی، احمد بن اسحاق یعقوبی، ج۲، ص۱۰.

ص:۱۲

پدر و مادر

بی‌تردید، فرزند ثمره‌ای است که از پدر و مادر خود به‌جای می‌ماند؛ به همین دلیل با شناخت شخصیت فرزند، می‌توان به سیره پدر و مادر او نیز پی‌برد. از سوی دیگر، با شناخت شخصیت پدر و مادر، ریشه‌های اساسی شکل‌گیری و بالندگی فرزند نیز کشف می‌شود.

بررسی زندگی اجداد پدر و مادری رسول خدا (ص) ، نشان می‌دهد که آنها، از بهترین و پاک‌دامن‌ترین انسان‌ها بوده‌اند؛ به طوری‌که هیچ موردی از آلودگی به سنت‌های رایج جاهلی و اعمال منافی عفت از آنها گزارش نشده و نسلشان از زمان حضرت آدم (ع) با ازدواج‌های شرعی و الهی به وجود آمده است. (۱)پیامبر (ص) فرمود:

خداوند از فرزندان ابراهیم، اسماعیل را برگزید و از فرزندان اسماعیل، بنی‌کنانه و از بنی‌کنانه، قریش و از قریش، بنی‌هاشم و مرا از بنی‌هاشم برگزید.(۲)

۱- طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۹.

۲- الاکتفاء، ج۱، ص۷؛ بهجهٔ المحافل، ج۱، ص۱۱؛ امتاع الاسماع، ج۳، ص۱۹۱؛ ر. ک: تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، ج۱، ص۲۲؛ البدایهٔ و النهایهٔ، ج۲، ص۲۰۲؛ بحارالانوار، ج۱۵، ص۱۲۰.

ص:۱۳

بنابراین، پیامبر (ص) برگزیده‌ای از برگزیدگان است. حضرت آمنه علیها السلام، حاصل تربیت پدر و مادری است که از راه وراثت و تربیت ابراهیمی رشد نموده و به کمال رسیده است. پدر آمنه علیها السلام وَهب بن عبد مناف، از بزرگان و شریفان (۱)و از رهبران بنی‌زهره بود. (۲)بنی‌زهره و بنی‌هاشم در یک سلسله نسب قرار داشتند و با هم، هم‌پیمان بودند. ازاین‌رو درباره دو فرزند «کِلاب بن مُرّة» یعنی «قُصَیّ» و «زُهره» گفته شده است: «قُریشٌ ابنا کِلابٍ»(۳)؛ «قریش فرزند دو پسر کلابند» .

به عبارتی، آنها دو بطن خالص قریشند. مادر آمنه علیها السلام «برّه» ، دختر عبدالعزی بن‌عبدالدار بن قصی بن کلاب از خاندان بنی‌عبدالدار بود (۴)که در جد سوم پیامبر (ص) (عبدمناف) ، به او می‌پیوندد. وی از نظر حسب و نسب، از زنان صاحب کمال بود.(۵)

۱- السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۶۵؛ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۶.

۲- همان.

۳- أنساب الاشراف، ج ۱، ص۴۸.

۴- السیرة النبویه، ج ۱، ص ۷۰؛ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۹.

۵- السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۶۵.

ص:۱۴

آمنه علیها السلام، تنها فرزند پدر و مادرش بود و ازاین‌رو، پیامبر (ص) خاله و دایی نداشت. بنی‌زهره، خود را دایی‌های پیامبر (ص) می‌دانستند؛ زیرا آمنه علیها السلام از قبیله آنها بود.(۱)

مادر پیامبر (ص) به هوشمندی و سخنوری شهره بود.(۲)وی بانویی با فضل و خوش‌سخن بود. اشعار زیبا و فصیحی از ایشان نقل شده که نشانگر کمال فضل و ایمان ایشان است؛ برای مثال ابیاتی را که در بستر بیماری و وفاتش، خطاب به فرزندش حضرت ختمی مرتبت سروده، ذکر می‌کنیم:

اِنْ صَحَّ ما اَبْصَرتُ فِی المَنَامِ

فانت مبعوث علی الانام

من عند ذی الجلال و الاکرام

تبعت فی الحل و فی الحرام

تبعث بالتحقیق والاسلام

دین ابیک البر ابراهام

فالله انهاک عن الاصنام

ان لا توالیها مع الاقوام(۳)

اگر آنچه را در خواب دیدم صحّت داشته باشد]که دارد [تو به سوی مردم به پیامبری مبعوث می‌گردی.

۱- اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، ص ۲۸۵؛ امتاع الاسماع، ج۴، ص۳۴.

۲- فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج۱، ص۲۱.

۳- تاریخ الخمیس، ج۱، ص۲۲۹.

ص:۱۵

از جانب خداوندی که دارای جلال و کرامت است مبعوث می‌شوی در مکه و خارج از آن.

تو به حقیقت و اسلام مبعوث می‌شوی، به دین پدر نیکوکارت ابراهیم.

پس خدا تو را از پرستش بت‌ها نهی کرد و این که با کسانی که بت‌پرستی می‌کنند، دوستی کنی.

از جزئیات زندگانی آمنه علیها السلام، اطلاع چندانی در دست نیست و هر آنچه در تاریخ آمده، به زمان ازدواج ایشان و پس از آن مربوط می‌شود.(۱)

۱- دایرة المعارف قرآن کریم، ج۱، ص ۳۲۰.

ص:۱۶

ازدواج آمنه علیها السلام

درباره چگونگی ازدواج آمنه علیها السلام با عبدالله و نیز حوادث پس از آن، گزارش‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) خواستگاری از جانب عبدالمطلب

گزارش‌هایی که خواستگاری را از جانب عبدالمطلب عنوان کرده‌اند دو گونه‌اند:

یک - در سال اول عام الفیل(۱)، عبدالمطلب به اتفاق پسرش عبدالله به خانه وهب بن عبد مناف رفت و دخترش آمنه را به عقد عبدالله درآورد.(۲)

۱- ده سال پس از حفر زمزم و یک سال پس از ذبح عبدالله و قربانی شتران؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹.

۲- السیرة النبویه، ج ۱، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

ص:۱۷

ازدواج آمنه علیها السلام

اشاره

درباره چگونگی ازدواج آمنه علیها السلام با عبدالله و نیز حوادث پس از آن، گزارش‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) خواستگاری از جانب عبدالمطلب

گزارش‌هایی که خواستگاری را از جانب عبدالمطلب عنوان کرده‌اند دو گونه‌اند:

یـک - در سال اول عام الفیل(۱)، عبـدالمطلب به اتفاق پسـرش عبـدالله به خانه وهب بن عبـد مناف رفت و دخترش آمنه را به عقد عبدالله درآورد.(۲)

۱- ده سال پس از حفر زمزم و یک سال پس از ذبح عبدالله و قربانی شتران؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹.

۲- السیرهٔ النبویه، ج ۱، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

ص:۱۸

دو - برخی منابع، عموی وی (وهیب بن عبدمناف) را سرپرست آمنه علیها السلام معرفی کرده و گفته‌اند که وی در خانهٔ عمویش زندگی می‌کرده و مراسم خواستگاری از سوی عبدالمطلب برای عبدالله از عموی آمنه و در خانهٔ وی بوده است(۱)؛ زیرا پدرش در قید حیات نبوده است.(۲)

برخی علت این خواستگاری را در پیشگویی پیرمردی یهودی از یمن دانسته‌اند بر این اساس که عبدالمطلب در یکی از سفرهای تجاری‌اش با وی ملاقات و او مژده ازدواج فرزندش با دختری شایسته از قبیلهٔ بنی‌زهره را داد و گفت که این ازدواج زمینه‌ساز میلاد پیامبر آخر الزمان است.(۳)

ب) پیشنهاد خواستگاری از جانب وهب پدر آمنه علیها السلام

بعضی منابع تاریخی و روایی، ماجرایی را ذکر می‌کنند که پس از آن «وهب» به شدت علاقه‌مند به ازدواج دخترش با عبدالله (ع) می‌شود و همسرش را برای طرح این پیشنهاد راهی خانهٔ عبدالمطلب می‌کند.

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۷۹؛ طبقات الکبری، ج ۱، ص۷۶.

۲- سیرهٔ المصطفی، ص ۴۰.

۳- ر. ک: طبقات الکبری، ج۱، ص ۷۰.

ص:۱۹

خلاصه این ماجرا چنین است که یهودیان شام در یکی از سفرهای عبدالله به شام، نور رسول خدا (ص) را در پیشانی عبدالله دیدند و تصمیم جدی بر ترور وی گرفتند و با طرح نقشه‌ای ماهرانه عده‌ای را به صورت تاجر به مکّه فرستاند. آنها منتظر فرصت مناسب برای عمل کردن نقشهٔ شوم خویش بودند، تا آنکه روزی عبدالله به تنهایی به شکار رفت. آنان به سرعت وی را تعقیب و در دره‌ای محاصره کردند و به وی حمله‌ور شدند و عبدالله به تنهایی مقاومت می‌نمود. در این حال «وهب بن عبدمناف» از آنجا عبور می‌کرد و ماجرا را دریافت. به علت زیاد بودن تعداد دشمن چاره را در کمک‌گیری از مکه و عبدالمطلب دید. از این رو به سرعت عبدالمطلب و فرزندانش را به مکان درگیری برد.

وهب که شاهد شجاعت عبدالله بود، به خانه خود بازگشت و به همسرش (برّه) گفت:

امروز از عبدالله (ع) شجاعتی دیدم که از هیچ یک از شجاعان عرب ندیده بودم. خدا او را به حسن و نوری مخصوص گردانیده است.

پس از آن، وهب خواستار ازدواج عبدالله با دخترش شد و همسرش را برای طرح این پیشنهاد به

ص:۲۰

خانهٔ عبدالمطلب فرستاد.(۱)

براساس برخی نصوص تاریخی، فاطمه مادر عبدالله (ع) به دیدن آمنه علیها السلام آمد و هنگامی که ادب و احترام و حسن و جمال وی را مشاهده کرد، به او علاقه‌مند شد و نزد عبدالله (ع) رفت و این‌چنین آمنه را توصیف کرد: «در مکه دختری بهتر از او و از جهت زیبایی و بزرگی و کمال و عقل وجود ندارد» . (۲)عبدالمطلب نیز سخنان او را تأیید کرد و به عبدالله گفت:

این دختر از خویشان توست و در مکه مانند او در عقل، طهارت، عفاف، دیانت، صلاح، کمال، حسن و جمال نیست.

عبدالله ساکت شد و عبدالمطلب از سکوت او رضایتش را دریافت.

حضرت عبدالمطلب شبانه عبدالله را به خانهٔ «وهب» برد تا دربارهٔ ازدواج صحبت کنند و قرار بر این شد تا بامداد آن روز هر دو قوم حاضر شوند و

مراسم ازدواج انجام گیرد.(۳)

۱- الانوار فی مولد النبی، صص ۱۱۶ - ۱۲۰؛ الخرائج و الجرائج، قطب الدین راوندی، ج۱، ص۱۲۹؛ تاریخ الخمیس، شیخ حسین دیاربکری، ج۴، ص۱۸۳؛ حیاهٔ القلوب، محمدباقر مجلسی، ج۳، صص۸۴ - ۸۹.

۲- ر. ک: الانوار، ابوحسن عبدالله بکری، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۳- حیاهٔ القلوب، ص۸۷ و ۸۸.

ص:۲۱

مراسم ازدواج

اشاره

حضرت عبدالمطلب خاندان خویش را جمع کرد و جامه‌های فاخر پوشانید. وهب نیز خویشان خود را جمع کرد و پس از آنکه جلسه تشکیل شد، حضرت عبدالمطلب برخاست و در فصاحت و بلاغت تمام خطبه خواند و گفت:

حمد می‌کنم خدا را حمد شکرکنندگان، حمدی که او مستوجب است بر آنچه انعام کرده است بر ما و بخشوده است به ما و ما را همسایگان خانهٔ خود و ساکنان حرم خود گردانیده است و محبت ما را در دل‌های بندگان خود انداخته و ما را به جمیع امت‌ها شرافت داده و از تمامی آفت‌ها و بلاها حفظ نموده است. حمد می‌کنم خدا را که نکاح را بر ما حلال و زنا را بر ما حرام گردانیده است. بدانید که فرزند

ص:۲۲

ما عبدالله دختر شما را خواستگاری می‌نماید به فلان صداق، آیا راضی شدید؟

وهب گفت: «راضی شدیم و قبول کردیم» .

عبدالمطلب گفت: «ای قوم گواه باشید» .

سپس عبدالمطلب در مکه چهار روز ولیمه داد و جمیع اهل مکه و نواحی را دعوت کرد.(۱)

مراسم زفاف در خانه عبدالمطلب انجام شد.(۲)

برخی از منابع میزان مهریه را هزار مثقال نقره به‌صورت نقد و هزار مثقال طلا به صورت مؤجل ذکر نموده‌اند.(۳)

اشراق نور پیامبر (ص) در آمنه علیها السلام

در منـابع روایی، احـادیث بسـیاری دربـاره خلقت نـوری پیـامبر و ائمه علیه السـلام، وجود دارد، ولی در این مختصـر به خلقت نوری پیامبر (ص) و ارتباط آن با حضرت آمنه علیها السلام پرداخته و تنها به یک روایت اشاره می کنیم؛ به سندهای معتبر از معاذ بن جبل نقل شده که حضرت رسول (ص) فرمود:

۱- الانوار، ص۱۲۶؛ حیاة القلوب، ج۳، ص۸۸؛ تاریخ الخمیس، ج۱، ص۱۸۵.

۲- تاریخ الامم و الملوک تاریخ طبری ، ج۲، ص۲۴۳.

۳- الانوار، ص۱۲۲.

ص:۲۳

به درستی که خداوند متعال، من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام را پیش از آنکه دنیا را خلق کند [با فاصله] هفت هزار سال آفرید.

معاذ عرض کرد: «ای رسول خدا! در آن زمان در کجا بودید؟» فرمودند: «نزد عرش الهی بودیم و خداوند را تسبیح و تحمید و تقدیس و تمجید می کردیم» . پرسید: «به چه مثال و مانند بودید؟» فرمودند:

شبحی چند نفر بودیم از نور. پس چون حق‌تعالی خواست صورت ما را بیافریند، ما را عمودی از نور گردانید و در صلب [پشت] آدم (ع) جا داد و سپس بیرون آورد ما را به سوی صلب‌های پدران و رحم‌های مادران و به ما نجاست شرك و پلیدی کفر نرسید. پس گروهی چند در هر زمانی به سبب ایمان آوردن بر ما، سعادتمند می‌شوند و گروهی چند به واسطه ایمان نیاوردن به ما شقی می‌شوند. پس چون ما را به صلب عبدالمطلب درآورد، آن نور را به دو نصف کرد. پس نصف آن را

در صلب عبدالله جا داد و نصف دیگر را در صلب ابوطالب. پس آن نصف که از من بود، به «آمنه» منتقل شد و نصف دیگر به «فاطمه بنت اسد» . پس من از آمنه

ص:۲۴

به هم رسیدم و علی از فاطمه]بنت اسد [به هم رسید. پس تمام عمود نور به من برگشت و فاطمه علیها السلام از من به هم رسید. پس باز تمام عمود نور به علی برگشت و حسن و حسین علیها السلام از هر دو نصف نور به هم رسیدند. پس نور من در امامان از فرزندان حسین (ع) تا روز قیامت می گردد.(۱)

۱- علل الشرایع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ حیاة القلوب، ج ۳، صص ۱۹ و ۲۰.

ص:۲۵

مرتبه ایمان حضرت آمنه علیها السلام از دیدگاه شیعه

در باور امامیه، خاندان حضرت محمد (ص) ، خاندان توحید و همگی از پاکی و طهارت ویژه‌ای برخوردار بودند. چنانکه پدر، مادر و تمامی اجداد (پدران و مادران) آن حضرت، تا آدم (ع) همگی مسلمان بوده و نور آن حضرت در صلب و رحم مشرکان قرار نگرفته است. از آن حضرت (ص) نقل شده که فرمود:

خدا پیوسته مرا از صلب‌های مردان پاک به ارحام زنان پاک منتقل ساخت تا به دنیای شما آورد و هرگز مرا به آلودگی‌های جاهلیت آلوده نکرد.(۱)

از آنجا که خداوند سبحان در قرآن کریم، مشرکان را ناپاک و نجس معرفی کرده و می‌فرماید: إِنَّمَا

۱- اعتقادات، شیخ صدوق، ص ۱۳۵؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۲۲؛ بحارالانوار، ج۱۵، ص۱۱۷.

ص:۲۶

الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ ؛ «مشركان ناپاكند» (توبه: ۲۸) ، اگر یكی از پدران یا مادران پیامبر (ص) بی‌ایمان و مشرك بود، حضرت رسول (ص) نمی‌توانست همهٔ آنها را به گونهٔ فراگیر به طهارت و پاكی توصیف كند. پس پیامبر (ص) كه معصوم و مبرا از هر خطا و اشتباهی است، خود تأییدكنندهٔ ایمان پدران و مادران گرامی‌اش تا حضرت آدم و حوا بوده و از شائبهٔ آلودگی به كبر مبرا می‌سازد. این اعتقاد شیعه به قدری مشهور و آشكار است كه شخصیتی مانند فخر رازی این را از ضروریات مذهب شیعه برشمرده و در تفسیرش چنین آورده است: «شیعه می گوید: بی‌تردید حتی یكی از پدران پیامبر (ص) و اجدادش كافر نبوده‌اند» . (۱)

علمای شیعه به آیات و روایات متعددی برای اثبات این مطلب تمسّك كرده‌اند، كه افزون بر دو مورد مذكور، روایاتی است كه در آنها تأكید شده است خداوند حمل پیامبر (ص) را در بهترین رحم قرار داده(۲)و آن را از آتش جهنم دور داشته(۳)است. با توجه

۱- التفسیر الكبیر، ج۲۴، صص۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- مرآة العقول، ج۵، ص۲۳۴.

۳- الكافی، ج۱، ص۴۶.

ص:۲۷

ص:۲۸

به آیه ۲۱(ص) سوره شعراء: وَ تَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدِینَ(۱)، مراد از انتقال نور وجود پیامبر (ص) از انسان سجده‌کننده‌ای برای خدا به سجده‌کننده دیگر، انتقال نطفه آن حضرت به صلب پیامبران و رحم پاکیزگان است. (۲)

دربارهٔ آمنه علیها السلام روایات بسیاری در رابطه با الهامات فرشتگان بر وی آمده (۳)که نشانگر درجهٔ اعلای ایمان در وی است، بلکه بانویی فوق‌العاده بوده که مانند حضرت مریم علیها السلام و مادر حضرت موسی (ع) با عالم غیب نیز در ارتباط بوده است، چون در میان شیعیان درباره ایمان حضرت آمنه اتفاق‌نظر وجود دارد به‌همین مقدار از آیات و روایات بسنده می‌کنیم و به دیدگاه اهل سنت با توجه به اختلاف نظرشان در این مورد می‌پردازیم.

۱- و نیز حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان مشاهده می‌کند .

۲- ر. ک: البرهان، سیدهاشم بحرانی، ج۳، صص۱۹۲ - ۱۹۴.

۳- در مبحث بارداری به برخی از این جریانات، خواهیم پرداخت.

ص:۲۹

دیدگاه اهل سنت دربارهٔ ایمان حضرت آمنه علیها السلام

اشاره

درباره ایمان مادر گرامی رسول خدا (ص) سه نظریه و دیدگاه، در بین اهل سنت وجود دارد:

الف) مؤمن به دین حنیف

عدّه‌ای از علمای اهل سنت معتقدند پدر و مادر حضرت پیامبر (ص) بر دین حنیف، یعنی جدشان ابراهیم (ع) بوده‌اند؛ مانند فخر رازی(۱)، سیوطی(۲)، ابن‌جوزی(۳)و. . . سیوطی مدعی است که اشاعره و شافعیه اتفاق‌نظر دارند که «اگر کسی از دنیا برود و

۱- التفسیر الکبیر، ج۲۴، صص۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- ر. ک: الفوائد الکامنه، صص۵۸ - ۶۱.

۳- همان، ص۶۲.

ص:۳۰

دعوت خدا به او نرسد، نجات‌یافته به حساب می‌آید» .(۱)سپس می گوید:

پـدر و مـادر ایشـان پیش از بعثت از دنیا رفته‌انـد. بنابراین تـدین به دین حنیف برای اثبات ایمان و نجات از عـذاب الهی برای ایشان کافی است.(۲)

سیوطی برای تأییـد بیشتر، به معجزه و نشانه‌هـای روشن الهی در دوران حمل و ولادت فرزنـد با عظمت آمنه علیها السـلام و همچنین اشعار توحیدی به جای مانده از سوی ایشان، اشاره می کند.(۳)

ب) ایمان پس از مرگ

بعضـی از علمای اهل سـنت مانند «سهیلی»(۴)ابن‌منیر مالکی(۵)، قرطبی (۶)برای توجیه و تأییـد روایات مربوط به متـدین بودن مادر حضـرت اسـتناد به قدرت الهی و عنایات حق تعالی به پیامبر (ص) کرده و گفته‌اند خدای متعال با کرامت‌بخشی به پیامبر (ص) مادر آن حضرت را

۱- الفوائد الکامنه، ص۱۵ مقدمه محقق .

۲- همان، ص۶۱.

۳- همان، ص۵۸.

۴- همان، ص۳۴.

۵- همان، ص۱۷.

۶- همان، ص۳۵.

ص:۳۱

در دوران رسالت او به خواست آن حضرت زنده کرده و او بعد از ایمان به پیامبر (ص) مجدداً درگذشت.(۱)که البته وجهی برای درستی این روایت وجود ندارد.

ج) ایمان نداشتن

برخی از اهل سنت بر این باوراند که پدر و مادر پیامبر (ص) و بسیاری از اجداد ایشان، مانند عبدالمطلب، هاشم و عبد مناف، کافر بودند(۲)

دلیل آنها درباره مادر ایشان حضرت آمنه علیها السلام، حدیثی از «عطیه» است که درباره شأن نزول آیه ۱۱۳ سوره توبه وارد شده است:

(ما كانَ لِلنَّبِيِّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَ لَوْ كانُوا أُولِي قُرْبى مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحابُ الْجَحِيمِ) (توبه: ۱۱۳)

برای پیامبر و مومنان شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند هرچند از نزدیکانشان باشند آن هم پس از آنکه روشن شد که این گروه اهل دوزخند.

۱- الفوائد الکامنه، ص۱۷.

۲- ر. ک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۹۳ و ۹۴.

ص:۳۲

عطیه نقل کرده است:

هنگامی که پیامبر (ص) به مکه رسید، بر سر قبر مادرش ایستاد بدان امید که خداوند به ایشان اجازه دهد تا برای مادرش آمرزش طلبد. ولی خداوند اجازه نداد.(۱)

اما این سخن با آنچه در منابع تاریخی که قبر آمنه را در ابواء می‌دانند، ناسازگار است؛ چنان که ابن سعد نیز به خطا بودن آن تصریح دارد.(۲)

این مطلب با احترام نهادن پیامبر (ص) بر قبر مادرش در بازگشت از عمره حدیبیه نیز همخوانی ندارد. چنان‌که نقل شده است: هنگامی که پیامبر (ص) ، در عمره حدیبیه از ابواء عبور کرد، فرمود: «خداوند به من اجازه داده است که به زیارت قبر مادرم بروم» . سپس به کنار قبر مادرش آمد و گریست و آن را اصلاح کرد و مسلمانان هم از گریه‌های آن حضرت گریستند. به ایشان گفته شد: «چرا می گریید؟» ، فرمود: «به یاد مهربانی او افتادم و گریستم» .(۳)

از سوی دیگر، برخی مانند ابن کثیر، روایت عطیه

۱- ر. ك: صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، صص ۹۳ و ۹۴.

۲- الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۹۴.

۳- همان.

ص:۳۳

را از نظر متن و سـند از درجهٔ اعتبار ساقط اعلام کرده و پذیرش آن را مشـکل دانسته است.(۱)علاوه بر پاسخ‌هایی که از سوی اهل سنت نقل شـده است، برخی از علمای آنان ماننـد سـیوطی، کتاب‌های متعـددی در این‌باره نگاشـته‌اند؛ از جمله: «الـدُّرج المنیفـهٔ فی الآباء الشّریفه» ، «المقامهٔ و السندسـیه فی النسبهٔ المصـطفویه» ، «التعظیمُ والمنّهٔ فی اَنَّ ابوی رسول الله (ص) فی الجَنّهٔ» ، «السبل الجلیهٔ فی الآباء العلّیّه» ، «نشـر العَلَمین المنَیعین فی احیاء الأبویْن الشَّریفین» ، «أنباء الاولیاء فی حیاهٔ الأنبیاء (علیهم السلام)» ، «الفوائد الکامنهٔ فی ایمان السیدهٔ آمنه» .

از جمله مطالبی که در کتاب الفوائد الکامنه آمده دو مقدمه بدین شرح است:

مقدمه اول: احادیث صحیحه‌ای دلالت می‌کند که هر اصلی(۲)(پدر یا مادر) از اصول (اجداد و امّهات) پیامبر (ص) از حضرت آدم (ع) تا پدرش عبدالله، از بهترین اهل قرن و برترین و فاضل‌ترین آنها بوده و

۱- البدایهٔ و النهایه، اسماعیل بن کثیر دمشقی، ج۴، ص۲۰۳.

۲- سیوطی این دلیل را برای اثبات موحد بودن پدران پیامبر آورده، ولی از طرفی همچنان که خواهید دید روایت‌ها عمومیت دارند؛ زیرا اصل، هم پدر است و هم مادر و ما با کمی تصرف، آن را به مادران نیز سرایت دادیم.

ص:۳۴

هیچ کسی در آن زمان بهتر و افضل‌تر از او نبوده است.

مقدمه دوم: احادیث و آثار بسیاری بر این دلالت دارد که از زمان نوح (ع) و آدم (ع) تا بعثت نبی اسلام (ص) ، تا برپا شدن قیامت، زمین از مردمی که بر فطرت (توحید) باشند که خدا را عبادت کنند و او را واحد بدانند و برایش نماز بخوانند، خالی نبوده است و به واسطه آنها زمین حفظ و نگه‌داری می‌شود و اگر ایشان نبودند، زمین و هرکسی که بر روی آن است، نابود و هلاک می‌شد.

با این دو مقدمه این نتیجه به دست می‌آید که پدران و مادران پیامبر (ص) ، هیچ‌کدام مشرک نبودند؛ زیرا وقتی ثابت شد که هر یک از آنها بهترین افراد قرن خود بودند، نمی‌توانند از چند حال خارج باشد: یک - مردمی که بر فطرت توحید بودند، پدران (و مادران) پیامبر (ص) بودند و این همان ادّعای ماست.

دو - یا آن مردمی که برفطرت توحید بودند، پدران (و مادران) پیامبر (ص) نبودند، بلکه پدران پیامبر (ص) مشرک بودند که در این صورت یکی از این دو مورد صدق می‌کند:

ص:۳۵

اول: یا مشرک بهتر از مسلمان است که این مطلب به اجماع باطل است.

دوم: یا غیر پـدران (و مادران) پیامبر (ص) ، بهتر از پـدران (و مادران) انبیا بوده‌انـد که این هم باطل است. پس به علت مخالفت این صورت بـا روایت‌هـا، نتیجه می‌شود که به یقین، در میـان پـدران پیـامبر (ص) مشـرکی نبوده تـا همه آنهـا در هر قرن مربوط به خود بهترین اهل زمین باشند. سیوطی برای اثبات مقدمه اول، روایت‌هایی را نقل کرده است:

«بخاری» از «ابو هریره» نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود:

مبعوث شدم از بهترین (افراد) قرن‌های بنی‌آدم که قرن به قرن آمده بود تا مبعوث شدم در قرنی که در آن بودم.(۱)

بیهقی در دلائل النبوه از انس نقل کرده که پیامبر (ص) فرمودند:

مردم دو دسته و فرقه شدنـد، مگر اینکه خداوند مرا در بهترین آن دو قرار داد و من از این پدر و مادرم پا به عرصه وجود گذاشـتم. پس چیزی از عهد جاهلیت به من نرسید و از نکاح به دنیا آمدم، نه از

۱- صحیح بخاری، ج۴، ص۱۶۶.

ص:۳۶

سفاح، از زمان آدم، تا اینکه امر منتهی شد به پدر و مادرم. پس من بهترین شما هستم از جهت خودم و بهترین شما هستم از جهت پدر [و مادر].(۱)

سیوطی ده روایت دیگر را نیز از منابع معتبر نقل می‌کند که هر کدام به نوعی اثبات‌کننده مطلبند. سپس برای اثبات مقدمه دوم، دلیل‌هایی را بیان می‌کند که به دو دلیل اشاره می‌کنیم:

احادیثی که دلالت می‌کند بر اینکه خداوند پس از نوح (ع) به علت وجود مسلمانانی که او را اطاعت می‌کنند، بلا را از اهل زمین دفع می‌کند.

احادیثی که در تفسیر قول خداوند متعال: (کانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً) وارد شده که برخی از آنها درباره مادران انبیا است و دلالت می‌کند بر اینکه از زمان حضرت آدم (ع) تا نوح (ع) و از زمان نوح (ع) تا پیامبر (ص) ، پیوسته بر دین اسلام بوده‌اند.(۲)

سیوطی می‌گوید:

با استقرایی که در رابطه با سرگذشت مادران انبیا به دست آوردم، به این نتیجه رسیدم که همه آنها مؤمن بوده‌اند که بعضی از آنها در قرآن ذکر شده،

۱- دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲- ر. ك: بحارالانوار، ج ۱۵، صص ۱۱۸ - ۱۲۲.

ص:۳۷

مانند: حضـرت حوا و ساره (مادر اسـحاق) (هود:۷۱) ، مادر حضـرت موسی و هارون (قصص:۷) ، مادر حضـرت عیسی (ع) (مائده: ۷۵) .

و اسامی بعضی دیگر در روایت‌ها ذکر شده است، مانند هاجر مادر اسماعیل (ع) ، مادر حضرت یعقوب (ع) و مادران اولادش، مادر حضرت زکریا (ع) مادر حضرت یحیی (ع) ، و مادران شموئیل، شمعون و ذی‌الکفل.(۱)

۱- الفوائد الکامنه، ص ۶۱.

ص:۳۸

ص:۳۹

نطفهٔ بهشتی پیامبر (ص)

اشاره

درباره زمان بارداری آمنه علیها السلام، گزارش‌های گوناگونی وجود دارد. در یکی از آنها چنین آمده است:
مدتی از جشن ازدواج عبدالله (ع) و آمنه علیها السلام گذشت. طلوع خورشید نبوت نزدیک شد. حق‌تعالی به جبرئیل امر کرد که در جنّةالمأوی ندا کند: «اسباب تقدیر ظهور پیغمبر بشیر و نذیر، سراج منیر که به نیکی‌ها امر و از بدی‌ها نهی خواهد کرد و مردم را به راه حق خواهد خواند، تمام شد. او صاحب امانت و صیانت و رحمت من بر عباد است و نور او در گسترهٔ گیتی و همهٔ شهرها ظاهر خواهد شد. هر که او را دوست بدارد به شرف و عطا بشارت یافته است و هر که او را دشمن دارد،

ص:۴۰

بـدترین عذاب‌ها برای اوست و اوست که پیش از خلقت آدم طینت پاکیزهٔ او را بر شـما عرضه کردم و نام او در آسـمان احمد و در زمین محمد و در بهشت ابوالقاسم است» .

پس ملائکه صـدا به تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر بلند کردند و درهای بهشت را گشودند و درهای جهنم را بسـتند و حوریان از غرفه‌های بهشت مشرف شدند و مرغان بر درختان جنان به انواع نغمات صدا به تسبیح خالق زمین و آسمان بلند کردند.(۱)

عصـر روز جمعه که مصـادف بـا روز عرفه بود، عبـدالله (ع) با پـدر و برادرانش در بیابان عرفات می گشـتند، در آن بیابان آب نبود، ناگاه نهری از آب زلال به نظرشان آمد و منادی ندا کرد: «ای عبدالله از آب این نهر بیاشام» . چون نوشـید، از برف سردتر و از عسل شیرین‌تر و از مشک خوشـبوتر بود و چون فارغ شـد، از آن نهر اثری ندیـد. پس عبـدالله (ع) دانست که آن نهر آسـمانی برای انعقاد نطفهٔ آن برگزیدهٔ پروردگار بر زمین ظاهر گردیده است. بنابراین به خیمه

۱- الانوار، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ حیاهٔ القلوب، ج۳، صص۸۸ و ۸۹؛ تاریخ الخمیس، ج۱، ص۱۸۵.

ص:۴۱

مراجعت نموده به آمنه علیها السلام گفت:

برخیز و غسل کن و جامه‌های پاکیزه بپوش و خود را معطّر کن که نزدیک است که مخزن آن نور ربّانی شوی.

پس در آن وقت به سید رسل (ص) حامله گردید و نور از صلب عبدالله به رحم طاهر وی منتقل شد، آمنه گفت:

چون عبدالله در آن هنگام با من همبستر شد، نوری از او ساطع گردید که آسمان‌ها و زمین را روشن کرد.(۱)

دربارهٔ زمان آغاز بارداری آمنه علیها السلام، گزارش‌های مختلفی رسیده است. یکی از آنها را ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌الحجه) در کنار جمره وسطی در خانهٔ عبدالمطلب دانسته‌اند.(۲)

درحالی که اوّلاً: خانهٔ عبدالمطلب نزدیک کعبه و زمزم بوده است.(۳)

ثانیاً: با توجه به ولادت پیامبر (ص) در ربیع الاول، مدت حمل آن حضرت باید سه

۱- الانوار، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ حیاة القلوب، ج۳، صص۸۸ و ۸۹؛ تاریخ الخمیس، ج۱، ص۱۸۵.

۲- اصول کافی، ج۱، ص۴۳۹؛ امتاع الاسماع، ج۱، ص۶.

۳- ر. ک: فصلنامه میقات، شماره ۳، ص۱۶۶.

ص:۴۲

ماه یا یکسال و سه ماه باشد که چنین چیزی امکان ندارد. ازاین‌رو برخی دانشمندان سعی در حل این مشکل با کمک‌گیری از مسئله «نسیئ»(۱)کرده‌اند و گفته‌اند: «احتمالاً حج آن سال در جمادی الاولی یا جمادی الثانیه واقع شده بود» .(۲)

اما برخی از محققان به ردّ این داستان پرداخته‌اند؛ زیرا ورود این‌گونه روایات بر مبنای «نسئ» ، نیازمند اثبات بوده و علاوه بر آن، تطبیق روایات و گزارش‌های تاریخی بر «نسئ» عملی غیر متعارف است.(۳)

شایان ذکر است برخی علاوه بر ایام تشریق آغاز بارداری را روز جمعه‌ای در ماه رجب و همچنین مکان را در شعب ابی‌طالب، عنوان نموده‌اند.(۴)

۱- یکی از موارد بدعت‌گذاری اعراب جاهلی «نسیء» است؛ به این معنا که برخی از ماه‌های سال را با یکدیگر جابه‌جا می‌کردند تا در نتیجه بتوانند ماه «حرام» را «حلال» اعلام کنند و از این طریق در ماه «حرام» نیز به جنگ، غارت یا شکار و غیره بپردازند. السیرهٔ النبویه، ج۱، ص۶۷. برخی مفسران دلیل دیگری را نیز عنوان کرده‌اند که این رسم را عرب جاهلی به علت فراهم نبودن شرایط برگزاری حج در ماه «ذی‌حجه» پایه‌گذاری کرده، که در نتیجه در برخی از سال‌ها حج را به جا نمی‌آوردند و در برخی، سالی دو بار حج را به‌جا می‌آوردند؛ در المنثور، ج۳، ص۲۳۴.

۲- بحارالانوار، ج۱۵، ص۲۱۵.

۳- ر. ك: الصحیح من سیرهٔ النبی الاعظم ص ، ج۲، صص۶۴ و ۶۵.

۴- امتاع الاسماع، ج۱، ص۶.

ص:۴۳

بارداری آمنه علیها السلام

در مورد دوران بـارداری و نیز تولـد پیامبر (ص) ، روایت‌های شـگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای در کتب تاریخی و روایی نقل شـده که هر کدام به نوعی تصدیق‌کننده عظمت این بانویند. آمنه علیها السـلام در خود احساس بارداری کرد، ولی نه آن‌گونه که در دیگران معمول بود؛ بی‌هیچ‌گونه احساس سنگینی و ناراحتی. از ایشان نقل شده است:

در دوران بارداری فرشـته‌ای پیش من آمـد و گفت: «تو به سـرور این امت حامله شـده‌ای» و این موضوع روز دوشـنبه بود که پس از آن به بارداری خود یقین کردم و آن فرشته دیگر پیش من نیامد تا زمان وضع حمل.(۱)

«ابن اسحاق» می‌نویسد:

آمنه دختر وهب، گفته است «هنگامی که او به نبی اکرم (ص) حامله شـد، مشاهده نمود که نوری از وی درخشـید که به وسـیله آن کاخ‌های بُصری(۲)در سرزمین شام مشاهده گردیدند و به وی گفته شد:

۱- الطبقـات الکبری، ج۱، ص۷۸؛ مشـابه این روایت در منابع متعـدد دیگری وجود دارد؛ از جمله: سـیرهٔ ابن اسـحاق، ج۱، ص۱۷۱؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۶۱.

۲- شهری در چهار منزلی دمشق؛ ر. ک: تقویم البلدان، ص۲۷۷.

ص:۴۴

تو به سرور این امت حامله گردیده‌ای و هنگامی که پا به عرصه هستی گذاشت، بگو او را از شر هر حسودی در پناه خدا قرار می‌دهم و او را «محمد» نام‌گذاری کن» .(۱)

«ابن سعد» ، از امام باقر (ع) نقل کرده که فرموده است: «هنگامی که آمنه به رسول خدا (ص) باردار بوده، دستور داده شد که نامش را احمد بگذارد» . (۲)

در روایتی از امام کاظم (ع) به نقل از امیرمؤمنان علی (ع) روایت شده که فرمود:

آمنه دختر وهب در عالم رؤیا مشاهده کرد که به وی گفته شد: «جنینی که به همراه داری از بزرگان است و پس از تولد اسمش را محمد بگذار» .

سپس حضرت علی (ع) فرمود:

خداوند اسمی از اسمای خویش را مشتق نمود؛ خداوند محمود است و نام وی را محمد (ص) انتخاب کرد. (۳)

همچنین در روایتی دیگر آمده است:

۱- سیره ابن اسحاق، ج ۱، صص ۱۷۱ و ۱۷۵؛ السیرهٔ النبویه، ابن هشام، ج۱، ص۱۶۶؛ مناقب ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۲۹؛ اعلام النبوه، ماوردی، ص ۲۱۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۹.

۳- احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۲۱.

ص:۴۵

در آن روز که نور محمدی در رحم آمنه خاتون قرار گرفت، حق سبحانه و تعالی، ملائکه را امر فرمود که تخت ابلیس را سرنگون کردند و ابلیس را به دریا انداختند و تا چهل روز او را غوطه دادند و چون ابلیس به هزار مکر و حیله خلاص شد، به کوهی که بلندترین کوه‌ها بود بر آمده و زار زار گریه کرد و فریاد کشید که به همه بلاد عالم فغان و فریاد او رسید و هر جا که لشکر او بود بر وی جمع گردیدند و گفتند که ای مقتدا و پیشوای ما سبب ناله و زاری و باعث این همه بی‌قراری چیست و نگون‌ساری بتان و تخت تو از برای کیست؟ شیطان گفت: «نزدیک است که پیغمبر آخرالزمان به ظهور آید و به هیچ وجه مکر و حیله ما بر او کارگر نیاید و عبادت لات و عزی باطل گردد و خلایق بت‌خانه‌ها را خراب کنند و ذکر رحمان و فرمان‌برداری پیغمبر آخرالزمان نمایند و من به واسطه نور محمدی که در پیشانی آدم بود، نافرمانی کردم و بر آدم سجده نبردم. از این جهت، از درگاه عزت دور افتادم و از بهر اظهار شرف و کمال مرتبه آن نور، مرا شیطان رجیم ساخت» .(۱)

۱- آثار احمدی، احمد بن تاج الدین استرآبادی، صص ۳۵ و ۳۶.

ص:۴۶

آمنه پیوسته نداها و بشارت‌ها را از میان زمین و آسمان می‌شنید و عبدالله را از آنها مطلع می‌کرد و عبدالله از او می‌خواست که آنها را بازگو نکند. سنگینی حمل، آمنه علیها السلام را نمی‌آزرد، بلکه هر روز بر زیبایی و شادابی و کمالش می‌افزود.(۱)روایت کرده‌اند هنگامی که نزدیک وضع حمل حضرت آمنه علیها السلام شد، به او ندا رسید:

مولود تو سالار این امت شود و چون به دنیا آمد، بگو وی را از شر حسودان، به خدای یگانه می‌سپارم.(۲)

۱- آثار احمدی، صص ۳۵ و ۳۶.

۲- انساب الأشراف، ج ۱، ص ۸۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۹.

ص:۴۷

توطئه قتل حضرت آمنه علیها السلام

پس از آنکه حضرت آمنه علیها السلام به پیامبر ختمی مرتبت (ص) باردار شد، آتش حقد و حسد در برخی زبانه کشید و درصدد قتل حضرت آمنه برآمدند. در کتاب «الانوار» و نیز در حیاة القلوب ماجرایی نقل شده که خلاصه آن بدین قرار است:

زنی به نام «زَرقاء» معروف به داهیهٔ یمنی دریافته بود که گوهر نبوت در صلب عبدالله (ع) است. ازاین‌رو در سفری که عبدالله (ع) به یمن کرد، پیشنهاد همبستری به او داد و حضرت عبدالله از ارتکاب گناه به شدت پرهیز کرد. پس از آنکه متوجه ازدواج و بارداری حضرت آمنه (ع) شد، به مکّه آمد و سعی کرد با تعریف از بنی‌هاشم و بشارت به میلاد پیامبر آخر الزمان نظر آنان را به خود جلب

ص:۴۸

نماید. سپس با طرح دوستی با زنی به نام «تکنا» که آرایشگر زنان بنی‌هاشم بود، نظر وی را به خود جلب کرد و با پرداخت کیسه‌ای زر او را مأمور قتل حضـرت آمنه علیها السـلام نمود. تکنا به بهانهٔ آراستن حضرت آمنه نزد وی رفت و خنجری مسموم با خود پنهان کرد. هنگامی که خواست نقشهٔ شوم خود را عملی سازد، به اعجاز محمدی (ص) دلش درد گرفت و خنجر از دستش افتاد. حضرت آمنه متوجه شـد و فریاد برآورد که در این حال به کمکش شـتافتند. سـپس تکنا ماجرا را بازگفت. بنی‌هاشم در پی «زرقاء» گشـتند، ولی او گریخت.(۱)

۱- رک: الانوار، صص۱۷۳ - ۱۷۷؛ حیاة القلوب، ج۳، صص ۱۶۱ - ۱۶۵.

ص:۴۹

رحلت جانسوز همسر

هنگامی که پیوند زناشویی به مرحلهٔ بارداری و فرزندداری می‌رسد، بارقه‌های امید و نشاط و شادی محیط خانه و زندگی را روشن می‌کند. اگر در این ایام، زنی همسر خویش را از دست بدهد غصّه و ماتمش دو چندان خواهد شد؛ زیرا از طرفی همسر محبوبش را از دست داده و از سوی دیگر باید فرزندی را بدون پدر سرپرستی کند.

دست تقدیر برای حضرت آمنه علیها السلام چنین روزگاری را رقم زده بود.

در گزارش تاریخی آمده که چون ماه هفتم داخل شد، عبدالمطلب عبدالله را طلب کرد و گفت:

ای فرزند! ولادت فرزند آمنه نزدیک است و در دست ما نیست آنچه لایق ولیمه و عقیقه اوباشد.

ص:۵۰

بایـد به جانب مـدینه بروی و آنچه برای ولیمه او مناسب و ضـروری است، خریـداری کنی. سـپس عبـدالله به سوی مـدینه رفت و در همین مسافرت بر اثر بیماری جان سپرد.(۱)

البته روایت‌هـای دیگری نیز زمـان وفـات عبـدالله را هفت ماه(۲)یا یک سال(۳)و یـا بیست و هشت مـاه(۴)پس از تولـد پیامبر (ص) دانسته‌اند.(۵)

گویا این ازدواج تنها به این دلیل انجام شد، که عبدالله امانتی را که با خود همراه دارد، در وجود همسـرش به ودیعت نهد و خداوند پس از آن، وی را به سوی خود ببرد.

تحمل مرگ عبدالله برای آمنه بسیار دشوار بود. آمنه از شنیدن این خبر گریه‌ها کرد و نوحه‌گری و عزاداری نمود. او در رثای همسر خود عبدالله بن عبدالمطلب، این ابیات را سرود:

۱- الانوار، ص۱۷۹؛ تاریخ الامم والملوک، طبری، ج۲، ص۱۶۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۰.

۳- اسد الغابه، ابن اثیر جزری، ج ۲، ص ۱۱۳.

۴- دلائل النبوه، ابوبکر بیهقی، ج ۱، ص ۹۱؛ الطبقات الکبری، ج۱، ص۸۰.

۵- برخی، بیماری حضرت عبدالله را در شام و وفات او را در مدینه ذکر کرده‌اند. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۴.

ص:۵۱

عَفا جانبُ البطحاء من ابن هاشمٍ و جاور لحداً خارجاً فی الغماغم

سرزمین بطحا، از وجود پسر هاشم خالی شد و او میان بانگ شیون در گوری خارج از این سرزمین آرمید.

دَعَته المَنایا دعوةً فأَجابَها و ما ترکت فی الناس مثل ابن هاشم

مرگ از او دعوت کرد و دعوتش را پذیرفت، و مرگ هیچگاه کسانی چون پسر هاشم را باقی نمی‌گذارد.

عَشیّةً راحوا یحملونَ سریرَهُ تَعاوَرَهُ اصحابهُ فی التّزاحُم

شامگاهی دوستان او در میان ازدحام از این سو و به آن سو رفتنند و تابوتش را به دوش کشیدند.

فان یکُ غالتهُ المَنایا وَ رَیبُها فقد کان مِعطاءً کثیر التَّراحُم(۱)

هر چند مرگ و حادثه او را فرا گرفت، ولی چه بسیار بخشنده و پر مهر و محبت بود.

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۲.

ص:۵۲

ص:۵۳

میلاد مولود آمنه علیها السلام

سرانجام آمنه پاکدامن علیها السلام، فرزند مطهر خود را به‌دنیا آورد و بدین‌ترتیب، جهان با تابش خورشید این وجود مبارک، روشن شد. روایت‌هایی که در کتب تاریخ و سیره و حدیث به چشم می‌خورد، پُر است از رخدادهایی که در پی ولادت این مولود رخ داده یا با آن هم‌زمان بوده است.

مرحوم «کلینی» از امام‌صادق (ع) روایت می کند:

وقتی آمنه به درد زایمان مبتلا شد، فاطمه بنت اسد همسر ابوطالب، نزد وی آمد و پیش او ماند تا آنکه زایمان کرد. در این حال، یکی از آنها به دیگری گفت: «آیا آنچه من می‌بینم تو هم می‌بینی» ؟ او گفت: «چه می‌بینی» ؟ گفت: «این نوری که بین مغرب و مشرق درخشیده است» . پس از آن،

ص:۵۴

ابوطالب آمد و فاطمه برایش از نوری که دیده بود، تعریف کرد. ابوطالب گفت: «آگاه باش که به زودی فرزندی را به دنیا می‌آوری که وصی این مولود خواهد بود» .(۱)

کتاب «شرف المصطفی» ماجرای میلاد پیامبر (ص) را از زبان حضرت آمنه چنین توصیف کرده است:

. . . روز دوشنبه بود و من تنها در خانه بودم و عبدالمطلب به طواف کعبه مشغول بود. صدایی بلند شنیدم و وحشت نمودم؛ چنان دیدم که پر مرغی بر دل من مالیدند و آن ترس از دل من رفت. نگریستم، نوشیدنی سپید دیدم که به من دادند. آن را نوشیدم. جماعتی از زنان را دیدم که در هیئت زنان و دختران عبد مناف گرد من آمدند و دیبایی سپید میان آسمان و زمین کشیدند و جماعتی از مردان را دیدم که در دست‌هایشان ابریق‌های سیمین بود و من عرق می‌کردم که از بوی مشک خوش‌تر بود و با خود می‌گفتم: «ای کاش عبدالمطلب می‌آمد» . تعداد زیادی پرنده دیدم که سقف اتاقم (حجره) را پوشاندند. منقارهای آنان از زمرد و پرهایشان از یاقوت بود. سپس نگاه کردم،

۱- روضه کافی، ص ۳۰۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۳.

ص:۵۵

درد زایمان مرا فرا گرفت؛ چنان بودم که به جماعتی از زنان پشت داده بودم. پس محمد (ص) به آسانی تولد یافت. چون بر او نگریستم او را دیدم که سر به سجده نهاده و انگشت به سوی آسمان برداشته همچون کسی که تضرع و ابتهال کند و سپس منادی آواز داد که محمد (ص) را بگردانید در مشرق و مغرب و. . . .

سپس حضرت آمنه تفصیل گوشه‌هایی از فضیلت‌های پیامبر اکرم (ص) را مطرح کرد.(۱)

در روایتی دیگر آمده است:

هنگام میلاد مولود آمنه، خداوند به ملائکه امر کرد تمامی درهای آسمان را بگشایند و همگی حضور یابند و تبریک و تبشیر به یکدیگر گویند.(۲)

علاوه بر روایات مذکور، روایات متعددی مبنی بر حضور فرشتگان هنگام وضع حمل آمنه علیها السلام وارد شده است تا جایی که گفته‌اند: «پرده‌های بهشت بر هیچ زنی زده نشد، جز آمنه و مریم، و ملائکه بر زادن زنی

۱- شرف المصطفی، ابوسعید خرگوش نیشابوری، ج ۱، صص۳۵۷ - ۳۶۰؛ شرف النبی، نجم الدین محمود راوندی، صص ۲۸ - ۳۱؛ مناقب ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۵۳.

۲- امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۵۸.

ص:۵۶

گماشته نشدند جز مریم و آمنه» .(۱)

ازاین‌رو بعضی از منابع تاریخی، حضور فرشتگان هنگام میلاد پیامبر (ص) و دوران حمل حضرت آمنه علیها السلام را با حضرت مریم علیها السلام مقایسه کرده‌اند.(۲)

هنگامی که میلاد فرزند آمنه را به عبدالمطلب بشارت دادند، نزد وی رفت و به مولودش محبت کرد. آمنه علیها السلام آنچه در زمان حاملگی‌اش دیده و درک کرده بود و نیز دستورهایی که در مورد نام‌گذاری نوزادش به او داده شده بود را با عبدالمطلب در میان گذاشت. سپس عبدالمطلب نوه‌اش را در آغوش گرفت و به شکر و سپاس‌گزاری از خدای متعال پرداخت(۳)سپس او را به ارکان کعبه پناه داد و شعری سرود که ترجمه آن چنین است:

خدا را شکر که این طفل پاک و آراسته را به ما عنایت کرد؛ طفلی که در گهواره‌اش بر دیگران ترجیح و برتری دارد.(۴)

مطالبی که ذکر شد تنها گوشه‌ای از معجزات و

۱- معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی دشتی، ج۱، ص ۴۰.

۲- امتاع الاسماع، ، ج ۴، ص ۲۱۴.

۳- السیرة النبویه، ج ۱، صص ۱۶۸و ۱۶۹؛ الطبقات الکبری، ج۱، ص۸۲.

۴- «الحَمْدُ لِلهِ الَّذِی أعْطانِی هـذا الغُلامَ الطَّیِّبَ الاردانِ قَدْ سادَ فی المَهْدِ عَلَی الغِلْمَان» . تفسیر قمی، ص ۳۴۹؛ اکمال الدین، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ج ۱، ص۱۹۶؛ السیرة الحلبیة، ج۱، ص ۳۰؛ امالی، طوسی، ص ۱۷۱.

ص:۵۷

امور شگفت‌انگیز دربارهٔ حضرت آمنه علیها السلام و مولود گرامش (ص) است.

یک محقق پژوهشگر دینی که ملتزم به احکام دین و قرآن و سنت است و در محیط دینی آموزش دیده و با قرآن و عترت به خوبی آشناست، می‌داند که بسیاری از افاضات خارق‌العاده‌ای که در مورد حضرت مریم علیها السلام، مادر موسی، مادر اسماعیل و اسحاق (علیهم السلام) اتفاق افتاده، از جمله اموری است که از تحلیل‌های عادی خارج است و نمی‌توان بدون در نظر داشتن عوالم غیبی، آنها را به خوبی بررسی کرد. در مورد پیامبر (ص) نیز چنین است؛ آفریننده، به‌گونه‌ای از ازل برنامه‌ریزی کرده که امور خارق‌العاده‌ای اتفاق افتد تا گل سرسبد هستی از دامان حضرت آمنه علیها السلام بشکفد. این امور هرگز از حریم عقل دور نیست. البته باید به افسانه‌سرایی‌های عده‌ای در نقل‌ها دقت کافی داشت و قواعد پژوهش را رعایت کرد. ولی نباید تمامی نقل‌های امور غیبی را به صرف خارق‌العاده بودن آنها، نفی یا تکذیب کرد؛ کاری

که با تأسف عده‌ای از غرب‌زدگان، آن را انجام می‌دهند و می‌کوشند با مقایسه معجزات انبیا با قوانین تجربی و علمی طبیعت، حقیقت این امور خارق‌العاده را تکذیب یا خدشه‌دار کنند.

ص:۵۸

ص:۵۹

زمان و مکان میلاد نبی اسلام (ص)

امامیه به اسـتثنای عده بسـیار کمی، اتفاق‌نظر دارند که فرزند آمنه علیها السلام در هفدهم ربیع الاول به دنیا آمده است(۱)، اما بیشتر اهل سنت بر این عقیده‌اند که تولد ایشان در دوازدهم این ماه بوده است.(۲)«یعقوبی» از امام صادق (ع) روایت کرده که بین ازدواج عبدالله با آمنه و ولادت رسول (ص) ، ده ماه فاصله بوده است.(۳)

براساس گزارش‌های تاریخی، آمنه علیها السـلام پس از ازدواج، به خانه عبدالله در شعب بنی‌هاشم رفت که بعدها به شعب ابی‌طالب معروف شد(۴)۴و فرزند خود را

۱- اعلام الوری، ص ۱۳؛ المناقب ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۱۷۲؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۴۸.

۲- السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۶۷.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.

۴- ر. ک: مکه در بستر تاریخ، صص ۶۳ و ۶۴.

ص:۶۰

در همان‌جا به دنیا آورد. مرحوم «کلینی» می‌نویسد:

آمنه، مولود خود را در شعب ابی‌طالب در منزل «محمد بن یوسف» در گوشه سمت چپ آن به دنیا آورد که بعدها به نام مولدالنبی (ص) مشهور شد.(۱)خیزران همسر هارون الرشید، آن مکان را خرید و به مسجد تبدیل کرد که مردم در آن نماز می‌خواندند.(۲) البته درباره محل ولادت پیامبر (ص) ، اختلاف‌نظرهایی نیز به چشم می‌خورد.(۳)

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۹۹.

۲- همان.

۳- ر. ك: فصل‌نامه میقات، شمارهٔ ۲؛ محل ولادت رسول خدا ص ، حمد الجاسی، ترجمه: رسول جعفریان، ص ۱۱۰.

ص:۶۱

دوران شیرخوارگی مولود آمنه علیها السلام

آمنه علیها السلام تنها سه(۱)یا هفت(۲)روز به فرزند خود شیر داد. پس از آن، مدت کوتاهی ثُوَیْبه او را شیر داد.(۳)آن‌گاه طبق عادت بزرگان عرب (۴)و به دستور عبدالمطلب، او را به «حلیمه سعدیه» از قبیله «بنی‌سعد بن بکر» سپردند که در بادیه زندگی می‌کرد.(۵)

در این‌باره که چرا پیامبر (ص) مدت کوتاهی از شیر مادر خود نوشید، دلایل متعددی ذکر کرده‌اند؛ از

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶.

۲- امتاع الاسماع، ص ۵.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶؛ اعلام الوری، ص ۶.

۴- سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷؛ السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۰.

ص:۶۲

جمله خطر بیماری وبا(۱)و یادگیری زبان فصیح و اصیل عربی.(۲)

هنگامی که پیامبر (ص) به حلیمه سپرده شد، آمنه علیها السلام به وی گفت: «ای دایه مهربان! در مورد این پسر از من بپرس که به زودی دارای شأن و منزلت خاصی خواهد بود» .

بدین ترتیب، آنچه دیده و شنیده بود و اموری که هنگام تولد اتفاق افتاده بود را به اطلاع وی رساند. (۳)هنگامی که حلیمه، پیامبر (ص) را با خود برد، آمنه علیها السلام این اشعار را سرود که بیانگر طبع لطیف و ذوق زیبای اوست:

اعیذه بالله ذی الجلال

او را در پناه خداوند که دارای جلال است،

قرار می‌دهم از شر آنچه در کوهستان‌ها می‌گذرد؛

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۱۳، ص۲۰۳؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص۴۰۱؛ الطبقات الکبری، ج۱، ص۹۰.

۲- ر. ک: السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۶؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۳؛ السیرة الحلبیه، ج ۱، ص ۱۴۶؛ الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۱، ص۸۱.

۳- ر. ک: السیرة النبویه، ج ۱، صص ۱۷۴و ۱۷۵؛ الطبقات الکبری، ج۱، ص۱۲۰.

ص:۶۳

امیدوارم او را در حالی ببینم که بُردهای گران‌قیمت پوشیده و نسبت به بزرگان خوشرفتار و با همه مردم نیکو رفتار است.(۱)

حلیمه پس از دو سال، پیامبر (ص) را نزد مادرش آورد.(۲)در این مورد که آیا آمنه در طول این مدت ارتباط و دیداری با فرزند خود داشته یا خیر، مطلب یا گزارشی در دست نیست. البته برخی متون، در مورد یکی از شروطی که عبدالمطلب برای حلیمه تعیین کرده بود، نوشته‌اند که عبدالمطلب گفت: «در هر جمعه او را نزد من بیاور؛ زیرا من تاب مفارقت او را ندارم» . حلیمه گفت: «چنین خواهم کرد» .(۳)

از این شرط و با توجه به روحیهٔ عرب در پایبندی به عهد می‌توان نتیجه گرفت که حضرت عبدالمطلب در طول این دو سال بارها نوه‌اش را ملاقات کرده و بعید به نظر می‌رسد که وی نوه‌اش را دیدار کند، ولی آمنه فرزندش را ملاقات نکرده باشد.

پس از گذشت دو سال، پیامبر را نزد مادرش آمنه آوردند.

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۰.

۲- السیرهٔ النبویه، ج ۱، ص ۱۷۳؛ الطبقات الکبری، ج۱، ص۹۰.

۳- حیاهٔ القلوب، ج ۳، ص ۱۷۹.

ص:۶۴

آمنه علیها السلام با توجه به علاقه شدیدی که به یگانه فرزند خود و یادگار همسر مهربانش داشت، از بیم شیوع وبا در مکه، مجبور شد فرزندش را به بادیه برگرداند.(۱)

در بعضی از متون آمده است: «حلیمه بار دیگر پیامبر (ص) ، را در پنج سالگی به مکه آورد و به مادرش سپرد» .(۲)

«ابن اسحاق» نقل کرده است:

وقتی حلیمه سعدیه، نبی اکرم (ص) را به سوی مکه آورد، او را میان مردم گم کرد و هر چه جست‌وجوکرد، نتوانست او را پیدا کند. به ناچار نزد عبدالمطلب آمد و ماجرا را نقل کرد. عبدالمطلب کنار کعبه رفت و از خدا درخواست نمود که نوه‌اش را به وی بازگرداند. پس از مدتی، دو نفر از قریشیان او را یافته، نزد عبدالمطلب آوردند. عبدالمطلب او را بر دوش خود نشاند و به دور کعبه طواف داد و برایش دعا کرد و سپس او را نزد مادرش آمنه فرستاد.(۳)

۱- السیرة النبویه، ج۱، ص۱۷۳؛ الطبقات الکبری، ج۱، ص۹۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۱.

۳- ر. ك: سیره ابن اسحاق، ص ۱۷۱؛ السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۶؛ الطبقات الکبری، ج۱، صص۹۰ و ۹۱.

ص:۶۵

سفر به یثرب

پس از آنکه پیامبر (ص) به سن شـش سالگی رسید، آمنه علیها السلام او را برای دیدار دایی‌های پدرش از بنی‌النجار و زیارت مرقد عبدالله به یثرب برد.(۱)البته در برخی منابع آمده است که آمنه علیها السلام پس از وفات همسرش هر سال برای زیارت قبر همسرش به مدینه می‌رفت.(۲)در این سفر «ام ایمن» هم حضور داشت و هرکدام یک شتر داشتند. آمنه علیها السلام در خانه «نابغه» که عبدالله در آنجا وفات کرده و به خاک سپرده شده بود، فرود آمد و به مدت یک ماه نزد آنها ماند. (۳)

۱- السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰؛ دلائل النبوه، ج۱، ص۱۲۱.

۲- ر. ک: انساب الاشراف، ج۱، ص۹۴؛ امتاع الاسماع، ج۴، ص۳۴.

۳- همان.

ص:۶۶

در این‌باره نوشته‌اند که پیامبر (ص) هنگام هجرت به مدینه، لحظه‌ای که چشمش به محله بنی‌النجار افتاد، فرمود: «مادرم همین‌جا مرا همراه خود آورد و در اینجا، قبر پدرم واقع شده است» .(۱)

۱- السیرة الحلبیه، ج ۱، ص ۵۰.

ص:۶۷

وفات مادر

آمنه علیها السلام در راه بازگشت از یثرب به مکه، در ابواء(۱)به علت بیماری درگذشت(۲)و در همان‌جا به خاک سپرده شد.(۳)البته برخی روایت‌ها محل دفن ایشان را در «مقبره حجون»(۴)یا «مقبره معلاة»(۵)و نیز «شعب ابی‌ذر»(۶)و «شعب ابی‌الذب»(۷)- که هر چهار مورد در

۱- ابواء در ۴۵ کیلومتری جحفه از سمت مدینه واقع شده است. ر. ک: تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره، ص۱۶۶؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۲؛ معالم‌الاثیره، ص ۱۷؛ شرف النبی، ص ۱۸۸؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص۱۶۵.

۲- السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰؛ اعلام الوری، ص ۱۷.

۳- الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۹۳ و ۹۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴.

۴- تقویم البلدان، ج ۱، ص ۷۴.

۵- همان.

۶- السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۷.

۷- شرف النبی، ص ۱۸۸؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۵.

ص:۶۸

مکه واقع شده‌اند – دانسته‌اند. البته قول اول (ابواء) مشهورتر است.(۱)

آمنه هنگام وفاتش درحالی که در بستر مرگ بود، به رسول خدا (ص) نگاه می کرد و در همان حال اشعاری می‌سرود که ترجمه آن چنین است:

ای پسر! خداوند وجود تو را مایه برکت قرار دهد. ای فرزند شخصی که کبوتران [برای به دست آوردن غذا] نزد او ازدحام می کردند؛ به یاری خداوند آگاه، پیروزی از آن تو گردد؛ تو به سوی مردم به پیامبری مبعوث می گردی؛ تو به حقیقت و اسلام برانگیخته می‌شوی و در مکه و خارج از مکه دین پاک پدرت ابراهیم (ع) را بر پا می‌داری.(۲)

آمنه علیها السلام در لحظه‌های آخر عمر گفت:

هر زنده‌ای سرانجام می‌میرد و هر تازه‌ای کهنه

۱- در شواهد تأیید کنندهٔ قول اول دفن در ابواء می‌توان به ماجرای نبش قبر و عمره حدیبیه استناد نمود.

۲- بارک فیک الله من غلام یا بن الذی من حومهٔ الحمام نجا بعون الملک العلّام فانت مبعوث الی الانام تبعث بالتحقیق و الاسلام تبعث فی الحل و فی الحرام دین ابیک الطّهر ابراهام تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۲۹؛ ترجمه کحل البصر، ص ۵۷.

ص:۶۹

می‌شود و هر بزرگی فانی می‌گردد و من می‌میرم و یادم در خاطره‌ها باقی می‌ماند. من وجود نیک و ارجمندی را به یادگار گذاشتم و فرزند برومندی را آوردم.(۱)

سخنـان آمنه هنگام وفاتش، افزون بر دلایل بسیاری که برخی از آنها را آوردیم، حاکی از ایمان او به توحیـد و رسالت پیامبر (ص) است. برخی وفات آمنه علیها السلام را در چهار سالگی پیامبر (ص) ذکر کرده‌اند(۲)و برخی شش سالگی.(۳)

تـا زمـان دولت عثمـانی بقعه‌ای روی قبر حضـرت آمنه موجـود بوده که در زمـان تسـلّط وهـابیون تخریب شـد.(۴)نقل کرده‌انـد که حضرت آمنه علیها السلام هنگام وفاتش، سی سال داشته است.(۵)

۱- تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳- تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۰.

۴- آثار اسلامی مکّه و مدینه، ص۳۹۲.

۵- تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۰.

ص:۷۰

ص:۷۱

پس از وفات آمنه علیها السلام

اشاره

پس از درگذشت آمنه علیها السلام، محبت و دلسوزی عبدالمطلب به پیامبر (ص) بیشتر شد.(۱)

نبش قبر آمنه علیها السلام

مشرکان در ابواء و در مسیر حرکتشان به سوی احد، بر آن شدند تا قبر آمنه علیها السلام را نبش کرده و باقیمانده جنازه او را به گروگان و برای تضمین و حفظ زنان خویش با خود ببرند. اما پس از رایزنی ابوسفیان با قریش، از بیم آنکه مبادا دیگران نیز با بزرگان آنها چنین کنند، از این تصمیم صرف‌نظر کردند.(۲)

۱- ر. ک: السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۸؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۵.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۲۸۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴.

ص:۷۲

عمره حدیبیه و زیارت قبر مادر در ابواء

پیامبر (ص) هنگام بازگشت از حدیبیه از نقطه ابواء عبور کرد و فرمود: «خداوند اجازه فرموده که قبر مادرم را زیارت کنم» و کنار قبر مادر خود آمد و آن را اصلاح کرد و گریست. مسلمانان هم گریستند و گفتند: «چرا می گریید؟» فرمود: «به یاد مهربانی او افتادم و گریستم» .(۱)

۱- الطبقات الکبری، ج۱، ص ۹۴.

ص:۷۳

فضایل آمنه علیها السلام

اشاره

فضایل بی‌شماری را می‌توان برای حضرت آمنه علیها السلام برشمرد؛ از جمله:

مادری خاتم الانبیاء (ص)

در مورد فضیلت‌های آمنه علیها السلام، همین بس که خداوند افتخار مادری پیامبر ختمی مرتبت (ص) را به وی بخشید. در این مورد گزارش‌های تاریخی و حدیثی فراوانی وجود دارد که البته ما به تعدادی از آنها بسنده می‌کنیم:

پیامبر (ص) فرمود: «بهترین رحم مادر من است» . (۱)همچنین در نقلی دیگر فرمود: «او بهترین مادران است» .(۲)

در نقلی دیگر چنین آمده است:

خدای تعالی، آمنه را نوری و عفافی و کمالی

۱- ر. ک: جلاء العیون، صص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۲- دلائل الامامهٔ، ص ۵۹؛ جامع الاخبار، ص ۱۵.

ص:۷۴

گران‌قدر بداد که در تمامی قوم برتر از او کسی نبود تا حق‌تعالی دستور داد نور مصطفی را بدو انتقال کردند. (۱)

کرامت نفس

حضرت عبدالمطلب در توصیف ایشان فرمود: «کریمهٔ من کرائم قومی»(۲)؛ «دختری عفیف و شریف از اقوام من است» .

شرافت و مکانت نسب

ابن اسحاق در وصف ایشان می‌نویسد: «آمنه بهترین زنان قریش از جهت شرافت و جایگاه خانوادگی بود» . (۳)

نزول ملائکه هنگام وضع حمل وی

کعب الاحبار گفته است:

من هفتاد و دو کتاب خوانده‌ام که همه از آسمان فرود آمده است و در همه کتاب‌ها، هنگام ولادت هیچ پیغمبری ملائکه نازل نشدند، به غیر عیسی (ع) و احمد (ص) و حجاب‌های بهشت را نزدند برای زنی، به

۱- شرف النبی، ص ۲۶.

۲- اعلام النبوه ماوردی، ص ۱۷۹؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۶۱؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۳، ص ۴۴۹.

۳- سیرهٔ ابن اسحاق، ج ۱، ص ۱۶۵.

ص:۷۵

غیر از مریم و آمنه علیها السلام و ملائکه موکل نشدند بر زنی در وقت حامله بودن، به غیر مریم علیها السلام و آمنه علیها السلام.(۱)

محدثه

«وی محدثه بود و ملائکه با او سخن گفتند» .(۲)

فراست و هوشیاری و نیکویی بیان

«كـانَتْ أفضلُ امرأة فِی قریش َنسَباً وَمكانـةً، إمتازتْ بالـذَّكاءِ وَحُسنِ البَیان»(۳)؛ «وی برترین و بافضیلت‌ترین زنان قریش از جهت جایگاه خانوادگی و نسب بود و به فراست و هوشیاری و نیکویی بیان، ممتاز بود» .

اشعار در مدح حضرت آمنه علیها السلام

از زمان پیامبر اکرم (ص) تاکنون اشعار فراوانی در مدح ایشان سروده شده است؛ از جمله به دو شعر عربی و دو شعر فارسی اشاره می کنیم:

حسان بن ثابت شاعر معروف زمان پیامبر (ص) در قصیده‌ای در مدح پیامبر (ص) و مادر ایشان اینچنین سروده است:

۱- امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۲۱۴؛ حیاة القلوب، ج ۳، ص ۱۳۵؛ جلاء العیون، صص ۷۱ و ۷۲؛ حلیة الابرار، ج ۱، ص ۲۶.

۲- سیرة حلبیه، ج ۱، ص ۶۹.

۳- سبل الهدی، ج ۱، ص ۱۲۷.

ص:۷۶

یا بکر آمنه المبارک ذکره ولدته محصنهٔ بسعد الاسعد(۱)

ای برومند پسر آمنهٔ فرخنده پی که در کمال پاکدامنی فرزند خود را در برج سعادت بزاد.

***

فمن مثل عبدالله خیر لداته وآمنهٔ فی خیر ضنء و منصب(۲)

پس چه کسی مانند عبدالله، بهترین کفو و همراه و مثل آمنه در بهترین اصل و اساس و مقام و جایگاه است.

***

ز پشت بت‌شکن قوم و نام «عبدالله» همه بزرگ نیاکانش پاک و دین پرور

سزای همسری اش آمنه که چشم عفاف به پاکدامنی او ندیده بود بُد همسر

ز مادر و پدری پاک آیین نثار دامن هستی شد آن یگانه گهر(۳)

۱- الطبقات الکبری، ج۲، ص۲۴۶.

۲- الاکتفاء، ج۱، ص۲۶.

۳- بانگ تکبیر، ص۴۲.

ص:۷۷

مادر و آمنه آن با وفا

آن که باشد معدن سعی و صفا

بی گمان باشد زنی پاک و عفیف

در میان مکیان باشد شریف

ذکر نام آمنه علیها السلام در زیارت‌نامه‌ها

در زیارت مخصوص خود حضرت، چنین آمده است:

السَّلامُ عَلَیْکِ أیَّتُها الطّاهِرَةُ المُطَهَّرَةُ، السَّلامُ عَلَیْکِ یَا مَنْ خَصَّها اللهُ بِأَعْلَی الشَّرف، السَّلامُ عَلَیْکِ یَا مَن سَطَعَ مِنْ جَبِینِها نُورُ سَیّدِ الأنْبِیاءِ.(۱)

سلام بر تو ای پاکیزهٔ پاکیزه شده، سلام بر تو ای کسی که به بالاترین درجهٔ شرف از جانب خدا انتخاب شدی. سلام بر تو ای کسی که نور سید انبیا از پیشانی‌ات ساطع شد.

در زیارت پیامبر (ص) از نزدیک یا دور نیز چنین وارد شده است: «السَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی أَهْلِ بَیْتِکَ. . . وَعَلَی أُمِّکَ آمنةَ. . .»(۲)؛ «سلام بر تو و بر اهل بیتت. . . و بر مادرت آمنه» .

ذکر نام آمنه علیها السلام در حرزهای مربوط به پیامبر (ص)

خداوند متعال برای حفظ پیامبر (ص) حرزی به وی

۱- ادعیه و آداب حرمین، ص۴۲۲.

۲- المزار فی کیفیهٔ زیارات النبی و الائمهٔ علیهم السلام ، شهید اول، ص ۱۱؛ مفاتیح‌الجنان، ص ۳۲۰.

ص:۷۸

آموخت که قسمتی از آن چنین است: «أعوذُکَ بِالواحِدِ مِنْ شَرِّ کُلِّ حَاسِدٍ قَائِمٍ أوْ قاعِدٍ وَکُلِّ خَلْقٍ رائِدٍ. . .» .(۱)

نام ایشان به عنوان مادر پیامبر (ص) در حرز پیامبر (ص) آمده است: «أُعیذُ مُحمَّدَ بنَ آمنةَ بِالواحِدِ مِنْ شَرِّ کُلِّ حاسد. . .» .(۲)

توسل به حضرت آمنه علیها السلام (مشکل‌گشای امور مالی)

در حدیث معتبری منقول است که «داود رقّی» ، به خدمت حضرت صادق (ع) آمد و عرض کرد: «به مردی مال دادم و می‌ترسم به دست من نیاید» . حضرت فرمود:

چون به مکه روی، یک طواف با دو رکعت نماز به نیابت عبدالمطلب بکن و یک طواف دیگر با دو رکعت نماز به نیابت ابوطالب بکن و یک طواف دیگر با دو رکعت نماز به نیابت عبدالله بکن و همچنین برای آمنه مادر حضرت رسول (ص) و فاطمه مادر امیر مؤمنان (ع) به‌جا آور.

چون چنین کردم در همان روز مال به دستم آمد.(۳)

۱- مهج الدعوات، ص۳.

۲- همان، ص ۴.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۵۴۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

ص:۷۹

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. آثار احمدی، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) ، احمد بن تاج‌الدین استرآبادی، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۴ه. ش.

۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، تهران، مشعر.

۳. اثبات الوصیه، مسعودی، قم، انتشارات رضی (افست) .

۴. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ه. ق.

۵. اسد الغابه، ابن اثیر جزری، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد هرفی، بیروت، دارالکتب العلیه.

۶. الاعتقادات فی دین الامامیهٔ شیخ صدوق، تحقیق: عصام عبدالسید دارالمفید، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۴ه. ق.

۷. اعلام النبوهٔ، ابو حاتم رازی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱ه. ش.

۸. اعلام النبوهٔ، ماوردی، اول، بیروت، دارالمکتبهٔ الهلال، ۱۴۰۹ه. ق.

ص:۸۰

۹. إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: سید حسن خراسانی، دارالکتب الاسلامیهٔ.

۱۰. الاعلام، شیخ مفید، تحقیق: شیخ محمد حسون، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ه. ق.

۱۱. الاکتفاء و بما تضّمنه من مغازی رسول الله (ص) والخلفاء الثلاثه، ابوالربیع حمیری کلاعی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۲. اکمال الدین، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق) ، قم، دارالکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۹۵ه. ق.

۱۳. امالی، ابی‌جعفر محمد بن حسن طوسی، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۱ه. ق.

۱۴. امالی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق) ، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۰ه. ق.

۱۵. امتاع الاسماع بما للنّبی (ص) من الاحوال و الاموال، تقی الدین مقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید نمیسی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۶. انساب الاشراف، احمد بن عیسی بلاذری، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ه. ق.

۱۷. الانوار فی مولد النبی محمد (ص) ، ابوحسن عبدالله بکری، تحقیق: فضال محمد علی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۸. بانگ تکبیر، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۴۷ه. ش.

۱۹. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [دارالکتب الاسلامیهٔ تهران]، ۱۴۰۳ه. ق.

ص:۸۱

۲۰. البدایهٔ و النهایهٔ، اسماعیل بن کثیر دمشقی، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ه. ق.

۲۱. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تهران، ستاد بعثت، ۱۴۱۶ه. ق.

۲۲. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، شمس الدین ذهبی، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ه. ق.

۲۳. تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری) ، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث العربی.

۲۴. تاریخ الخمیس فی احوال النفس النفیس، شیخ حسین دیاربکری، بیروت، دارالصادر، بی‌تا.

۲۵. تاریخ مدینهٔ دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن (ابن عساکر) ، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ه. ق.

۲۶. تاریخ منظوم چهارده معصوم، مجتبی رضانژاد، چاپ اول، تهران، صهبای اهل بیت، ۱۳۸۱ه. ش.

۲۷. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی جزایری، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۴ه. ق.

۲۸. التفسیر الکبیر، فخر رازی، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث.

۲۹. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۰ه. ق.

۳۰. تنقیح المقال، عبدالله مامقانی، قم، مرتضویه، بی‌تا.

۳۱. حیاهٔ القلوب، محمدباقر مجلسی، تحقیق: سید علی امامیان، چاپ دوم، انتشارات سرور، ۱۳۷۸ه. ش.

ص:۸۲

۳۲. الخرائج و الجرائج، قطب الدین راوندی، چاپ اول، مؤسسهٔ الامام المهدی، ۱۴۰۹ه. ق.

۳۳. دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷ه. ش.

۳۴. دلائل النبوهٔ و معرفهٔ احوال صاحب الشریعه، ابوبکر بیهقی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ه. ق.

۳۵. الروض الانف فی شرح السیرهٔ النبویهٔ، عبدالرحمان سهیلی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ه. ق.

۳۶. سبل الهدی و الرشاد فی سیرهٔ خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی دمشقی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۴ه. ق.

۳۷. السیرهٔ الحلبیهٔ، علی بن برهان الدین حلبی، به کوشش: مصطفی السقا و دیگران، بیروت، المکتبهٔ العلمیهٔ.

۳۸. سیرهٔ المصطفی نظرهٔ جدیدهٔ، هاشم معروف الحسنی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۶ه. ق.

۳۹. السیرهٔ النبویهٔ، ابن هشام، تحقیق: مصطفی السقا و دیگران، مصر، افست ایران، ۱۳۶۳ه. ش.

۴۰. شرح نهج البلاغهٔ، عزالدین عبدالحمید (ابن ابی‌الحدید) ، مصر، دار احیاء الکتب العربیهٔ، ۱۳۷۸ه. ق.

۴۱. شرف المصطفی، ابوسعید خرگوشی نیشابوری، چاپ اول، مکه، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۲۳ه. ق.

ص:۸۳

۴۲. شرف النبی، نجم الدین محمود راوندی، ترجمه: شرف المصطفی، تهران، بابک، ۱۳۶۱ه. ش.

۴۳. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر.

۴۴. الصحیح من سیرهٔ النبی الاعظم (ص) ، سیدجعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالسیرهٔ.

۴۵. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ.

۴۶. علل الشرایع، شیخ صدوق، تصحیح: شیخ حسین اعلمی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۱ه. ق.

۴۷. عیون الاثر، ابن سید الناس، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۴ه. ق.

۴۸. فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد الجوینی، تصحیح: شیخ محمد باقر محمودی، چاپ اول، بیروت، ۱۳۹۸ه. ق.

۴۹. فصل‌نامه میقات، حج و زیارت.

۵۰. الفوائد الکامنه فی ایمان السیدهٔ آمنهٔ والتعظیم والمنهٔ فی أنّ ابوی مصطفی فی الجنهٔ، جلال الدین سیوطی، قاهره، مکتبهٔ القرآن، ۱۳۱۷ه. ق.

۵۱. کحل البصر، سیمای پرفروغ محمد، شیخ عباس قمی، ترجمه: محمدی اشتهاری، چاپ اول، قم، انتشارات ناصر، بهار، ۱۳۷۰ه. ش.

۵۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، علامه طبرسی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲ه. ش.

ص:۸۴

۵۳. المزار فی کیفیهٔ زیارات النبی والائمهٔ (علیهم السلام) ، شهید اول، چاپ اول، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۱۰ه. ق.

۵۴. معالم الاثیرهٔ فی السنهٔ والسیرهٔ، محمد حسن شراب، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۵۵. معجم اعلام شعراء المدح النبوی، محمد احمد، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ه. ش.

۵۶. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ه. ق.

۵۷. المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ابن جوزی (ابوالفرج) ، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۲ه. ق.

۵۸. مهج الدعوات، سید بن طاووس، چاپ اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ه. ق.

۵۹. نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر (ص) ، رمضان محمدی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ه. ش.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹